

مؤلفه‌های اخلاق حکمرانی در مکتب شهید سلیمانی

علی ترابی کلاته قاضی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۶

چکیده

حکمرانی، الگوهای گوناگون و مباحث متعدد ذیل آن، از جمله موضوعات بحث‌برانگیز در مدیریت دولتی عصر حاضر است. از ۱۹۸۰ و با ارائه مفهوم حکمرانی خوب توسط بانک جهانی تا به امروز، شاهد تلاش‌های فراوان و روایت‌های گوناگونی در رابطه با حکمرانی و الگوهای آن بوده‌ایم. تعدد الگوهای گوناگون حکمرانی، خود در این چند سال اخیر نشان از این فضا و شرایط پیچیده آن دارد. به موازات بحث بر سر الگوهای حکمرانی، موضوع اخلاق حکمرانی نیز مطرح شده است و شاید بتوان گفت که اخلاق حکمرانی روح حاکم بر الگوهای حکمرانی و وجه تمایز آن‌ها باهم است. پس از شهادت شهید سلیمانی، بی‌شک مهم‌ترین گزاره و توصیف درباره ایشان را رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) فرمودند که از ایشان به «مکتب» یاد کردند. با لحاظ این توصیف، ضروری است تا محققان ابعاد گوناگون این مکتب را تبیین کنند؛ یکی از این ابعاد اخلاق حکمرانی شهید سلیمانی است که در این پژوهش سعی شده است مؤلفه‌های اخلاق حکمرانی در مکتب شهید سلیمانی مشخص و تدوین شود. این مقاله، با مراجعه به مقالات و پژوهش‌های گوناگون و نیز مبانی اندیشه اسلامی به تبیین کلی نظریات اخلاق حکمرانی پرداخته است. سپس با استفاده از روش تحلیل مضمون، مؤلفه‌های اخلاق حکمرانی مکتب شهید سلیمانی با استفاده از متن سخنرانی‌ها، مصاحبه و وصیت‌نامه شهید بزرگوار و دیگر منابع معتبر استخراج و ارائه شده است. در این تحقیق در مجموع ۲۶۷ مفهوم پایه، ۹۳ مفهوم سازمان‌دهنده و ۲۴ مفهوم عالی شناسایی و ارائه شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که شهید سلیمانی را می‌توان الگو و مصداقی برای گزاره «حکمران مسلمان انقلابی» دانست و مؤلفه‌های اخلاق حکمرانی شهید سلیمانی که در این پژوهش ارائه شده‌اند از قبیل ارزش‌گرا و اصول‌مدار، استکبارستیز، امام‌باور و امام‌یاور، پاسدار انقلاب و نظام، تواضع و احترام، خادم، شخصیت جامع، شهادت‌طلب، فساد ستیز و ساده‌زیست، شاگرد، مخلص، مجاهد، مشرف و آینده‌نگر، مدیریت پدرا نه و مشفقانه، مردم‌دار و مردم‌باور، نفوذ و محبوبیت شخصیتی، هدفمند و هدف‌گرا و... مؤید وجوه حکمرانی، تقید و تشریح اسلامی و دینی و روحیه انقلابی و جهادی این شهید بزرگوار می‌باشد.

واژگان کلیدی: حکمرانی، اخلاق حکمرانی، مکتب شهید سلیمانی، مؤلفه‌های اخلاق حکمرانی

۱. دانشجوی دکتری مدیریت دولتی دانشگاه علامه طباطبائی و پژوهشگر دانشگاه جامع امام حسین(ع)

مقدمه

امروزه مدیران دولتی متوجه شده‌اند که رویکردهای سنتی بر پایه قوانین و اهداف از پیش تعیین شده و بیری، اغلب به حذف انواع فرایندهای نوآورانه برای دستیابی به نتایج عملکردهای محیطی مؤثر ختم می‌شود؛ استفاده از این قوانین برای ترتیب دادن همکاری با بخش غیردولتی نیز نامیدکننده است؛ این ناامیدی ناشی از این واقعیت است که در موقعیت‌هایی که از قوانین رسمی برای مدیریت همکاری استفاده می‌شود، به‌ویژه آن‌هایی که نیازمند ارتباطات و وابستگی متقابل بین اعضای درگیر هستند، اغلب به نتایج ضعیف و نصفه و نیمه ختم می‌شود (راجرز و ویر، ۲۰۱۰: ۴). بسیاری از آن‌ها به دنبال طراحی و اجرای برنامه‌ها و سیاست‌هایی هستند که از طریق آن‌ها بتوانند کشور و مردم خود را به پیشرفت و توسعه هرچه بیشتر برسانند و سعادت و رفاه را برای آنان به ارمغان آورند. سراسر تاریخ بشری مملو از کوشش‌هایی است که در این زمینه صورت گرفته و البته بسیاری از آن‌ها نیز در رسیدن به نتیجه ناکام مانده است (نادری، ۱۳۹۰). در متداول‌ترین استفاده، حکمرانی بر حرکت از رویکرد قبلی به نام «حکومت» یعنی رویکرد قانون‌گذاری از بالا به پایین که به دنبال تنظیم رفتار افراد و نهادها به شکل مشخص و کاملاً جزئی است؛ به سمت جریانی که تلاش دارد تا مؤلفه‌های سامانه را طوری تنظیم کند، افراد و نهادها در درون آن به صورت خودتنظیم عمل کرده و سامانه را به نتایج موردنظرش برسانند تأکید دارد (واعظی، ۱۳۹۷). گذر از «حکومت» به «حکمرانی» دربرگیرنده دو فرایند اساسی است: اول، اینکه تعداد در حال افزایشی از بازیگران خارج از مرزهای رسمی دولت، در فرایند اداره کردن ورود پیدا کرده و این فرایند بر شبکه‌هایی از بازیگران به هم مرتبط از بخش‌های عمومی، خصوصی و داوطلب - به جای سلسله مراتبی که توسط دولت تعریف می‌شود - متکی است. دوم، اینکه سازمان درونی دولت، پیچیده‌تر و چند سطحی شده و توسط نهادهای فرو ملی و فراملی تحت نفوذ قرار گرفته است (تامپسون، ۲۰۰۵: ۱۸۰). در زیرساخت‌های حکمرانی جدید، به جای کنترل افراد، رهبران، قدرت را به جامعه بازمی‌گردانند و از طریق استفاده از یک طرح انگیزش محور برای ایجاد شرایط برای مردم به منظور انتخاب اینکه چگونه می‌خواهد در جوامع خود مشارکت کنند، تلاش می‌کنند و با محیطشان ارتباط برقرار می‌کنند. این یک تغییر از یک فرماندهی و کنترل به یک هماهنگی است و در واقع ترویج سبک نوینی از مدیریت است (Malone, 2004: 23). یکی از موضوعاتی که الگوهای گوناگون حکمرانی با آن درگیر است و باید برای آن پاسخ داشته باشد موضوع کیفیت و ارتقای کیفیت ارائه خدمات در بستر شیوه خاص حکمرانی است. پیشرفت‌های روزمره در زمینه‌های گوناگون دانشی و اطلاعاتی مفهوم جدیدی از ظرفیت حکمرانی را مطرح می‌کنند؛ از جمله حکمرانی

کوچک^۱، حکمرانی توزیع شده^۲، فراحکمرانی^۳، خودحکمرانی^۴، تکامل زیرساخت‌های جدید اجتناب‌ناپذیر است؛ اما زمان این تکامل و یا مسیر آن ناشناخته است. با افزایش بودجه دولتی، سؤال اصلی این است که چگونه می‌توانیم بدون پرداخت هزینه بیشتر، شرایط را بهتر کنیم (Cameron, 2010: 57). از دیگر سو، مدیریت همکارانه (مشارکتی) به‌عنوان یک پارادایم جدید از نظریه مدیریت نوین که از دهه ۱۹۸۰ در اصلاحات بخش دولتی غالب بود، دیده می‌شود. مدیریت دولتی نوین با جهت‌گیری بیشتر بازار در بخش دولتی، باهدف افزایش بهره‌وری هزینه‌ها و اجرای حکومت شبیه بخش خصوصی، پایه‌گذاری شد. مشارکت و همکاری‌های بخش دولتی و خصوصی منجر به الگوهای همکاری بیشتر با ذی‌نفعان اقتصادی-اجتماعی شد (واعظی، ۱۳۹۷). حکمرانی همکارانه به‌عنوان یک واکنش مثبت به این رویکرد در مدیریت دولتی نوین، با تأکید بر بهره‌وری و کارایی بیشتر بخش دولتی مطرح شد (برد فورد، ۲۰۱۵: ۲).

با شهادت شهید سلیمانی یکی از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین گزاره‌ها درباره شخصیت ایشان را رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) فرمودند و از این شهید بزرگوار به‌عنوان «مکتب» یادکردند: «سردار شهید عزیز ما را با چشم یک مکتب، یک راه، یک مدرسه درس آموز، با این چشم نگاه کنیم آن‌وقت اهمیت این قضیه روشن خواهد شد» (رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۸). یکی از وجوه شهید سلیمانی وجه حکمرانی وی است و با نگاه «مکتب» می‌توان آموزه‌های مهمی در ذیل موضوع حکمرانی از مکتب این شهید استخراج و استنباط کرد. در این پژوهش سعی شده است مؤلفه‌های اخلاق حکمرانی این شهید استخراج گردد تا گامی برای روشن نمودن جلوه‌ای از جلوه‌های این مکتب درس آموز و راهنما باشد.

این مقاله درصدد است مؤلفه‌های اخلاق حکمرانی را از مکتب شهید سلیمانی مشخص و تدوین نماید؛ لذا ابتدا به تعریف حکمرانی و اخلاق حکمرانی پرداخته است؛ سپس بعد از بیان چرایی ورود به موضوع اخلاق حکمرانی، پیشنهادی در رابطه با مؤلفه‌های اخلاق حکمرانی در مکتب شهید سلیمانی ارائه داده است.

-
1. Micro-Governance
 2. Distributed Governance
 3. Meta-Governance
 4. Self-Governance

سؤال پژوهش

۱. مؤلفه‌های اخلاق حکمرانی شهید سلیمانی چیست؟

مبانی نظری

حکمرانی

ریشه‌یابی کلمه حکمرانی ما را به فعل راهبری یا هدایت کردن^۱ می‌رساند؛ این واژه چنان‌که از فرهنگ واژگان «Concise Oxford Dictionary» برمی‌آید هم‌معنای حکومت^۲ بوده است. در اینجا حکمرانی، عمل یا شیوه حکومت کردن، مقام یا کارکرد حکومت کردن است (کایر، ۱۳۸۶: ۳). حکمرانی مفهومی چالشی، ظریف و پیچیده است که نیازمند ایضاح و تفسیر است؛ گرچه حکمرانی مفهومی مرتبط با حاکمیت و دولت است؛ اما مترادف با آن‌ها نیست. در فرهنگ «هریٹیج» واژه حکمرانی «فعالیت، شیوه عمل یا قدرت حکم راندن؛ معنا شده است» و در فرهنگ سیاسی «آکسفورد» حکمرانی فعالیت یا روش حکمراندن، اعمال کنترل یا قدرت بر زیردستان و نظامی از قوانین و مقررات تعریف شده است (زارعی و تنظیمی، ۱۳۹۴). در میان تعاریف گوناگون درباره حکمرانی، تعریف کافمن و همکارانش که کارشناسان بانک جهانی هستند و شاخص‌هایی را نیز براساس آن، برای سنجش حکمرانی بیان کرده‌اند، حائز اهمیت است؛ زیرا در بسیاری از پژوهش‌های کمی از شاخص‌های آنان استفاده می‌شود. آن‌ها حکمرانی را سنت‌ها و نهادهایی تعریف کرده‌اند که براساس آن، اقتدار در یک کشور اعمال می‌شود. این مجموعه عبارت‌اند از: ۱. فرایندی که براساس آن، حاکمان انتخاب می‌شوند، بر آن‌ها نظارت می‌گردد و تغییر می‌کنند، ۲. ظرفیت حکومت برای اینکه سیاست‌های درست را به گونه‌ای کارآمد تدوین و اجرا کند، ۳. احترام شهروندان و مردم به نهادهایی که تعاملات اقتصادی و اجتماعی میان آن‌ها را اداره می‌کند.^۳

چیببا^۴ معتقد است واژه حکمرانی برای بحث درباره دو موضوع مرتبط استفاده می‌شود: نخست، همه جنبه‌های شیوه اداره یک ملت که نهادها، سیاست‌ها، قوانین، مقررات، فرایندها و سازوکارهای نظارتی را شامل می‌شود و دیگر مجموعه فرهنگ و ایدئولوژی مرتبط با حکمرانی، یعنی ارزش‌ها، فرهنگ، سنت‌ها و ایدئولوژی‌هایی که در حوزه حکمرانی وجود دارد (چیببا، ۲۰۰۹: ۷۹). موانی و رابینسون^۵ (۲۰۱۰) در

1. Kubernan

2. Government

3. Kafman, Kray & Lobaton, 1991

4. Chibba

5. Moene & Robinson

مقاله‌ای با عنوان «حکمرانی و توسعه» ضمن مرور تعاریف گوناگون بیان کرده‌اند که هدف آن‌ها از استفاده از واژه حکمرانی، دو چیز است: اول اینکه تفسیری وسیع از پیوندهای میان نهادهای سیاسی جامعه که نه تنها قانون اساسی و نظام انتخاباتی، بلکه دیگر عوامل تأثیرگذار بر قدرت سیاسی افراد و گروه‌ها، مانند توانایی حل مشکلات کنش جمعی، استفاده از ارتباطات و حتی سلاح گرم را شامل می‌شود؛ دوم اینکه حکمرانی بیانگر اجرای تصمیم‌های جمعی نیز است که ظرفیت دولت و توانایی دولت به اجرای منسجم و کارآمد سیاست‌ها و میزان و اثر فساد را شامل می‌شود (موانی و رایبسون، ۲۰۱۰: ۹-۱۰). شاید دقیق‌ترین تعریف حکمرانی در گزارش کمیسیون حکمرانی جهانی آمده باشد: «حکمرانی مجموعه‌ای از روش‌های فردی و نهادی، عمومی و خصوصی است که کارهای مشترک مردم را اداره می‌کند. حکمرانی فرایندی پیوسته است که از طریق آن منافع متضاد یا گوناگون را همساز می‌کند و اقدامی همکاری‌جویانه انتخاب می‌گردد. دولت شفاف کارآمد و درستکار، بر شایسته‌سالاری، قوانین و مقررات ساده و روشن استوار است و حاکمیت قانون به گونه‌ای منصفانه اعمال می‌شود (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳: ۷۸). نیکونستی (۱۳۹۱) در مقاله‌اش برخی از دلایل اقبال به حکمرانی را برمی‌شمرد که عبارت‌اند از: عوامل گوناگونی از جمله شکست برنامه‌های قبلی توسعه، گسترش توجه به نهادها در تحلیل‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، آگاهی به اهمیت عوامل سیاسی در توسعه کشورها، پی بردن اقتصاددانان به اشتباه بودن برخی فروض نئوکلاسیکی و برخی عوامل دیگر مانند فروپاشی کمونیسم، در تبدیل پارادایم حکمرانی به پارادایم غالب توسعه مؤثر بوده است (نیکونستی، ۱۳۹۱: ۱۵۰). با مطرح شدن ادبیات حکمرانی در بین دانشمندان و دولت‌مردان، الگوی حکمرانی خوب با استقبال مواجه شد و در عمل پایه و شروع مباحث اثربخش و مفید حکمرانی از نظریات حکمرانی خوب آغاز شد. حکمرانی خوب نخستین بار در دهه ۱۹۹۰ به وسیله بانک جهانی مطرح شد. عدم کامیابی برخی کشورها در انجام وظیفه‌های حاکمیتی خود و نبود دولت کارآمد سبب پیدایش اندیشه حکمرانی خوب شده است. حکمرانی خوب از راه‌های کم کردن میزان اختلال‌های سیاسی و حداکثر ساختن سطح سیاست‌های مطلوب می‌تواند در بهبود فضای کسب‌وکار و به تبع آن ارتقای رشد اقتصادی مؤثر شود. دو سازوکار رقابت و پاسخگویی را به عنوان سازوکارهای مؤثر در بهبود حکمرانی معرفی می‌کند (یوسف، ۱۳۹۴). بنابراین، با توجه به مفهوم‌های طرح‌شده درباره حکمرانی خوب، می‌توان آن را به یافتن الگو و ترکیب جدیدی از همکاری سه بخش: دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی معطوف دانست. در این سه الگو سه دیدگاه مدنظر است: الف) نهادهای مدنی به عنوان مدافع حقوق شهروندی در تقویت مشارکت مردمی به منظور اثرگذاری بر سیاست‌گذاری‌های عمومی، ب) بخش عمومی عامل تولید در تقویت سرمایه‌گذاری در رشد تولید ناخالص ملی به منظور افزایش درآمد سرانه و پویایی اقتصاد و بازار و فراهم ساختن رفاه نسبی، ج) نقش دولت در جایگاه تسهیل‌کننده فعالیت‌های عمومی در فراهم‌سازی محیطی برای توسعه پایدار به منظور ثبات و توسعه عدالت اجتماعی در جامعه

ارزیابی می‌شود (نادری، ۱۳۹۰: ۷۳). نگرش‌ها، باورها و رفتار همکاری در حکمرانی همکارانه به میزان مداخله مدیران دولتی در همکاری با ذی‌نفعان براساس نگرش‌های فردی و تعصب آن‌ها نسبت به گروه‌های خاص اطلاق می‌گردد (کانر، ۲۰۱۵: ۵). زیرساخت‌های حکمرانی مجموعه‌ای از فن‌آوری‌ها و سامانه‌ها، افراد، سیاست‌ها، شیوه‌ها و روابط است که برای حمایت از فعالیت‌های حاکم بر یکدیگر تعامل دارند. همان‌طور که سازمان‌ها و جوامع، غیرمتمرکز و پویا شده‌اند، ماهیت رهبری نیز باید از برنامه‌ریزی به سمت هماهنگ‌سازی تغییر یابد. حکمرانی خوب به ترویج پاسخگویی، شفافیت، کارایی و حاکمیت قانون در همه سطوح می‌پردازد و اجازه می‌دهد مدیریت کارای منابع انسانی، طبیعی، اقتصادی و مالی در توسعه عادلانه و پایدار به‌منظور تضمین مشارکت جامعه مدنی در فرایند تصمیم‌گیری به‌کار گرفته شود. اغلب گفته می‌شود این تغییرات منجر به جابه‌جایی از یک بروکراسی سلسله‌مراتبی به سمت به‌کارگیری بیشتر بازارها، شبه بازارها و شبکه‌ها به‌ویژه در ارائه خدمات عمومی شده است (بویر، ۲۰۰۸).

اداره کارهای عمومی سیر تحولی پیچیده‌ای را طی نموده است. از پارادایم مدیریت دولتی کلاسیک که اعمال اقتدار دولت بر تمام بخش‌ها و قلمرو جغرافیایی کشور، سیطره و نفوذ ساختارهای سلسله‌مراتبی خشک در سراسر کشور، یکپارچگی مقررات و رویه‌های کاری، تفکیک سیاست از اداره و محدود شدن اداره به نقش‌ها و کارکردهای اجرایی، کنترل‌های شدید قضایی، مالی و سیاسی در دیوان‌سالاری دولتی از مشخصات آن است تا پارادایم مدیریت دولتی نوین که با قالب‌های مدیریت دولتی نوین، مدیریت، مدیریت دولتی بازارگرا و دولت کارآفرین همسو است؛ مرزبندی‌های مدیریت دولتی و مدیریت بنگاه‌های بازرگانی کم‌اهمیت قلمداد و بر به‌کارگیری فنون مدیریت بازرگانی در اداره بخش عمومی، خصوصی سازی خدمات عمومی، کاهش تصدی‌گری دولت و اداره سازمان‌های دولتی به سبک بنگاه‌های خصوصی توجه می‌شود و در دوران کنونی پرداختن به مفهومی با عنوان حکمرانی (سالارزهی، ۱۳۹۱: ۵۵). در حال حاضر پارادایم حکمرانی در بین اندیشمندان این حوزه رواج دارد. حکمرانی مفهومی است که به‌سرعت در طول چهار دهه گذشته رشد پیدا کرده است و ناظر به تغییرات در ماهیت و نقش حکومت‌ها و گذار از سلسله‌مراتب به سمت بازار و شبکه‌های باشد (بویر، ۲۰۱۲).

اخلاق حکمرانی

اخلاق در لغت جمع «خُلُق» است و با واژه «خَلَق» دارای یک ریشه لغوی می‌باشند. «خَلَق» به معنای هیئت و شکل و صورتی است که انسان با چشم می‌بیند و «خُلُق» به معنای قوا و سجایا و صفات درونی است که با چشم قابل رؤیت نیست؛ اما از حیث اصطلاح معنای متعددی را برای آن ذکر کرده‌اند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. صفات نفسانی پایدار (ملکه): براساس این اصطلاح «خُلُق» به معنای صفتی است که در نفس انسان به صورت «ملکه» درآمده است. «ملکه» به صفتی گفته می‌شود که در روح و جان انسان چنان نفوذ کرده و راسخ شده است که آثار و افعال مناسب با آن صفت، خواه پسندیده و خواه ناپسند، خودبه‌خود و بدون تأمل و درنگ، از انسان صادر می‌شود. ابن مسکویه رازی در کتاب تهذیب الأخلاق و تطهیر الأعراق می‌نویسد: «خُلُق همان حالت نفسانی است که انسان را به انجام کارهایی دعوت می‌کند، بی‌آنکه نیاز به تفکر و اندیشه داشته باشد» (خراسانی، رضا: ۸۳).

۲. صفت ناپایدار و زودگذر: گاهی منظور از واژه «خُلُق» بیان صفات و حالات نفسانی مناسب با فضائل یا رذایل است و لذا براساس این اصطلاح می‌توان گفت که «اخلاق مجموعه صفات روحی و باطنی انسان است.» (مفردات)

۳. کارها و صفات نیک: مراد از اصطلاح سوم در مورد واژه اخلاق، صرفاً حالات یا ملکات خوب و پسندیده است؛ مثل اینکه می‌گوییم «دروغ گفتن ضد اخلاق است» (غرویان). در فرهنگ معین از اخلاق به خوبی‌ها و خصالت‌ها یاد می‌گردد (معین، ۱۳۸۱: ۵۶). اگر اخلاق را واشکافیم، یکی از عناصر اصلی و بنیادین آن عدالت است، به نحوی که نمی‌توان از اخلاق بدون عدالت، صحبت کرد. در مفهوم جامع اخلاق، عدالت و تقوی حضور پررنگ دارند. عدالت، امری اخلاقی است، بنیادین و جهان‌شمول. اگر برخی از امور اخلاقی مانند سخاوت و صداقت، در فردی نباشد، آن فرد دارای کمالی به نام بخشندگی یا راست‌گویی نیست و بخشی از فضایل اخلاقی را ندارد؛ اما اگر کسی عدالت را نداشته باشد، هسته سخت اخلاق را از دست داده است. عدالت در حکمرانی اخلاقی دارای کارکردهایی چون احقاق حقوق شهروندان، دوری از استبداد، احتیاط در رفتار سیاسی و رفتار اعتدالی هست. دادگری فردی و اجتماعی، رفتارهای حکمرانان را سامان می‌بخشد و از رفتار ناشایست و غیر اخلاقی بازمی‌دارد، به گونه‌ای که پوشش جامعه را به سوی سعادت تضمین می‌کند. با عدالتی که در جان و نهان صاحبان قدرت، نقش بسته باشد؛ تک‌تک رفتارها و کلمات، قبل از اقدام، از صافی سنجیده‌ای می‌گذرد؛ لذا ستم در فرایند آگاهانه رخ نمی‌دهد، آن‌سان که

برای جلوگیری از ستم ناآگاهانه نیز هر نظامی به قانون، تصمیم‌گیری شورایی، برنامه‌ریزی‌های دقیق و پیچیده و حساب‌شده نیاز دارد. از دیگر سو، می‌دانیم که هدف بعثت انبیای الهی در قرآن کریم، اجرای قسط و عدل معرفی می‌شود:

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید، ۲۵) و رسول اکرم (ص)، هدف از برانگیخته شدن خود را کامل کردن اخلاق معرفی می‌کند: «انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶: ۲۱۰).

در نگاه پیامبر (ص)، «سیاست»، راه بردن و هدایت انسان‌ها و رساندن آنان به سعادت راستین است؛ لذا معیار آن را «عدل» تشکیل می‌دهد و سیاست بدون عدالت، معنا ندارد. در سیاست آن حضرت سعادت و عدالت‌محور و مبنا بودند و تحقق سیاست به تعبیر امام خمینی (ره)، صراط مستقیم است که همان صراط رسول خدا (ص) است: «سیاست این است که... همانی که در قرآن صراط مستقیم گفته می‌شود یک صراط مستقیمی که از اینجا شروع و به آخرت ختم می‌شود.» (امام خمینی (ره)؛ ۱۳۷۸: ۴۳۲/۱۳).

در نگرش توحیدی رسول‌الله، اخلاق متعالی از اهمیت سرنوشت‌سازی برخوردار است. در اخلاق، سخن از شناخت نفس انسانی، قوا و عواطف زمینه‌ساز خلق و خوی‌ها و مکارم عالی اخلاقی و چگونگی تحقق آن‌ها در وجود آدمی به میان می‌آید؛ اما آنچه مهم است این است که پیامبر اسلام (ص)، خود، نوعی اخلاق یا اخلاقیات خاص را برای پیروان خود به ارمغان آورده است که در سایه آن بهزیستی و سعادت حقیقی فرد تأمین می‌شود. پیامبر اسلام (ص) فرمود: «انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» (مجلسی، ۲۱۰/۱۶). «اخلاق» در این نگاه، تمامی ابعاد زندگی انسان را در برخوردها، منش‌ها، خلق‌ها و خوی‌ها در برمی‌گیرد. به‌عنوان مثال، در نگاه اخلاقی اسلام، خصلت نرم‌خویی مورد نظر است. این است که قرآن خطاب به پیامبر (ص) می‌فرماید: «لو كنت فظاً غليظ القلب لانفضوا من حولك: چنانچه تو ای پیامبر تندخوی و سنگدل می‌بودی همانا [مردم] از پیرامونت پراکنده می‌شدند» (آل‌عمران، آیه ۱۵۹). در بیئش اسلامی، «تقوا و تهذیب»، معیار کنش‌ها، افعال و اقدام‌ها در عرصه سیاست است و سیاستمدار، مسئول و مدیر، قبل از هر چیز باید عادل، متقی و برخوردار از مکارم عالی اخلاقی باشد و اگر این‌گونه نباشد به هیچ‌وجه شایستگی انجام وظیفه در میدان سیاست و کارهای عمومی مردم را ندارد. تکیه بر تهذیب نفس، تقوا و عدالت که از مهم‌ترین بنیان‌های اخلاقی است، برای ایجاد زندگانی سالم صورت می‌گیرد؛ زیرا از نگاه اسلام، زندگانی بدون اخلاق و معنویات، معنای حقیقی خود را ندارد و معیار برتری انسان‌ها را تقوا تشکیل می‌دهد. پیامبر (ص) می‌فرماید: «ان اکرمکم عندالله اتقاکم و لیس لعربی علی عجمی فضل الا بالتقوی» (نهج‌الفصاحه،

۳۶. پیامبر اکرم (ص)، سیاست و تدبیر کارهای جامعه را با فضیلت، دین و اخلاق متعالی در هم آمیخت؛ بنابراین، سیاست مورد نظر او، سیاست اخلاقی و الهی بود و در سیره و روش عملی خود نیز همین برنامه را به کار بست. این توأمانی از سویی، بیانگر قداست و تعالی سیاست است و از سوی دیگر، بیانگر مراعات حقوق انسان‌ها و ضرورت تحقق آن. امام خمینی (ره) می‌فرماید: «رسول‌الله پایه سیاست را در دیانت گذاشته است» (امام خمینی (ره)، ۱۳۶۱: ۱۳۸/۱۷).

با توجه به تعاریف فوق می‌توان اخلاق را به دو بخش تقسیم کرد. یکی آن ملکاتی که سرچشمه پدیدآمدن آنها کارهای نیکو است که اخلاق خوب یا ملکات فضیله نامیده می‌شود و دوم صفاتی که منشأ اعمال بد است و به آن اخلاق بد یا ملکات رذیله گفته می‌شود.

اخلاق اسلامی به بخشی از آموزه‌های دین اسلام گفته می‌شود که از فضایل و رذایل اعمال سخن می‌گوید. قرآن بر رشد اخلاقی انسان‌ها تأکید بسیار داشته و آن را از اهداف رسالت پیامبر شمرده است. برخی دیگر از ارزش‌های اخلاقی مورد تأکید پیامبر (ص) در احادیث، خود را مأمور به مکارم اخلاق، معرفی کرده است و در روایات اهل بیت (ع) نیز از مکارم الاخلاق سخن به میان آمده است. برخی معتقدند که منظور از مکارم الاخلاق، ارزشمندترین صفات اخلاقی است. امام صادق (ع) در پاسخ به پرسشی، نمونه‌هایی از مکارم الاخلاق را اینگونه برشمرده است: «گذشت از کسی که به تو ظلم کرده است، رابطه با کسی که با تو قطع رابطه کرده است، عطا به آنکس که از تو دریغ داشته است و گفتن حق، اگر چه بر ضد خودت باشد.» از منظر امام علی (ع) یکی از وظایف فردی حاکم، مراعات اخلاق اسلامی، هنگام ارتباط با مردم است و یکی از جلوه‌های اخلاقی اخلاق اسلامی که حاکم باید در حد اعلی آن را مراعات کند، رحمت و شفقت به مردم است. او باید مردم را دوست داشته باشد و با لطف و مهربانی با آنها رفتار کند و قلبش مملو از محبت به آنها باشد (موسوی، سید زین العابدین و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۰۵).

خرم‌پور (۱۳۹۷) در پژوهشی بایسته‌های اخلاقی مدیریت معنوی امام علی (ع) در بُعد حکومتداری اجتماعی را مشخص نموده است که عبارتند از:

۱. توجه به بیت‌المال و دقت در صرف آن؛
۲. دوری از مال اندوزی؛
۳. زهد و سادگی مسئولین حکومتی؛
۴. امر به معروف و نهی از منکر؛
۵. توجه به محرومین و تلاش در فقرزدایی؛

۶. وحدت بین مسلمین؛
۷. شفاف‌سازی؛
۸. تلاش در جلب رضایت عموم؛
۹. احترام به مردم و حفظ کرامت آن‌ها؛
۱۰. دقت در گزینش قوای نظامی؛
۱۱. عدالت گستری و دوری از ظلم؛
۱۲. زمان آگاهی و اطلاع از نقشه‌های دشمنان؛
۱۳. پاسخ به تبلیغات دشمن؛
۱۴. ارتباطات مردمی؛
۱۵. آزادی و تأمین آن برای انسان‌ها؛
۱۶. رعایت اصول اخلاقی توسط مأمورین دولت و دولتمردان؛
۱۷. نظارت بر اعمال کارگزاران؛
۱۸. تقدیر و تشویق شایستگان؛
۱۹. اهتمام نسبت به قضات و وظایف آن‌ها؛
۲۰. توجه به کشاورزان و دیگر اصناف؛
۲۱. توجه به مشورت؛
۲۲. تعلیم و تربیت اسلامی و موعظه؛
۲۳. صلح و امنیت؛
۲۴. وفای به عهد؛
۲۵. چگونگی اخذ مالیات؛
۲۶. شرایط زعامت؛ (خرم‌پور، ۱۳۹۷).

رهبران از طریق رفتار اخلاقی، اعتماد و وفاداری پیروانشان را به دست می‌آورند؛ اهمیت اخلاقیات را به زیردستان منتقل می‌کنند، از پاداش و تنبیه برای تشویق رفتار مطلوب بهره می‌گیرند و به الگوی نقش اخلاقی برای پیروان عمل می‌کنند. به اعتقاد ترویتو و همکاران، رهبر اخلاقی، فردی با اخلاق و مدیری اخلاقی است (براون، ۲۰۰۷).

اخلاق سازمانی به مثابه یک مفهوم علمی در غرب ظهور نموده است و در سطوح فردی و سازمانی توجه پژوهشگران متنوعی را در چهاردهه گذشته به خود معطوف کرده که از آن به منزله یک چالش اساسی فراروی سازمان‌های گوناگون در سطح جهان یاد می‌شود (کاردی و سلواراجان، ۲۰۰۶). رهبری اخلاقی به صورت نمایش رفتار مناسب هنجاری از طریق اعمال فردی و ارتباطات بین فردی و ترویج چنین رفتاری به پیروان از طریق ارتباطات دوسویه، تقویت و تصمیم‌گیری تعریف شده است (والومبا و همکاران، ۲۰۱۰). دهوق و دن هارنگ (۲۰۰۸) سه عنصر برای رهبری اخلاقی برشمرده‌اند که عبارتند از:

انصاف، شفاف‌سازی نقش و تسهیم قدرت

انصاف: رهبران اخلاقی، با صداقت و به صورت منصفانه با دیگران رفتار می‌کنند، جانب‌داری نمی‌کنند و مسئولیت اعمال شخصی‌شان را خود به عهده می‌گیرند. به طور کلی انصاف، عنصر اصلی رهبری اخلاقی است.

شفاف‌سازی: رهبران اخلاقی، مسئولیت‌ها و انتظارات و اهداف عملکردی را روشن می‌کنند، به طوری که زیردستان می‌دانند از آن‌ها چه انتظار می‌رود و چه موقع عملکردشان به حد انتظار می‌رسد.

تسهیم قدرت: رهبران اخلاقی به زیردستان خود در تصمیم‌ها حق اظهار نظر می‌دهند و به ایده‌ها و طرز فکر آن‌ها گوش می‌کنند. رهبران اخلاقی پیروان خود را با صحبت حمایت می‌کنند (کالشوون و همکاران، ۲۰۱۱).

موضوع اخلاق در حکمرانی همواره یکی از چالش‌برانگیزترین مفاهیم و جنبه‌ها بوده است و باعث ایجاد پارادوکس در درک واقعی مفهوم اخلاق در بخش عمومی گردیده است و افراد خوانش‌های گوناگونی از موضوع اخلاق در حکمرانی داشته‌اند. نظریه‌های گوناگون حکمرانی باهدف بهبود و ارتقای اخلاق؛ برنامه‌ها و طرح‌های گوناگون و به عبارتی شناسه‌های اخلاقی متنوعی ارائه کرده‌اند؛ اما در عمل مشاهده می‌شود که پایداری به اصول اخلاقی وضعیت مناسبی ندارد. به عبارتی می‌توان ادعا کرد که برگ برنده الگوهای حکمرانی در ارائه شیوه‌ای موفق در زمینه اجرای اخلاق حکمرانی است.

بنابراین، حاکمان و کارگزاران دولتی با بیان تعهد به موازین اخلاقی به دنبال افزایش اثربخشی از طریق بهبود مشروعیت خود و افزایش اعتماد نزد مردم می‌باشند. امروزه نظام اداری کشورها به‌ویژه کشورهای در حال توسعه شاهد بسط و گسترش رفتار غیراخلاقی به نام فساد و سوءاستفاده از اموال دولتی می‌باشند و دولت‌مردان نیز ادعای مبارزه و ریشه‌کن کردن این پدیده شوم را دارند؛ ولی در عمل فساد با آرامی و با

مطبوعیت تمام، وارد یک جامعه می‌شود، همه سطوح آن را فرامی‌گیرد و تاروپود یک نظام را متلاشی می‌کند (رفیع‌پور، ۱۳۸۶: ۱-۱۵).

محقق و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان فلسفه اخلاق و اخلاق حاکمان از دیدگاه افلاطون؛ مؤلفه‌های اخلاق حاکمان را بدین شرح ارائه کرده‌اند: حکمت، شجاعت، اعتدال، عدالت، عقل‌مداری و قدرت تمیز، زیبایی‌دوستی و هماهنگی بیرونی و درونی، هشیاری، فداکاری، عفت و دوری از تقلید. لنینج و کریوس اظهار می‌دارند، کارگزاران دولتی باید یاد بگیرند تا تقوا را در متن سازمان‌های دولتی و حکومتی اجرا نمایند، در این صورت اگر فساد و دیگر رفتارهای غیراخلاقی در سطح پایینی نگه‌داشته شود، اتحاد حمایت افزایش می‌یابد و اغلب موجب بهبود سازمان دولتی می‌شود. تقوا عمل را تقویت می‌کند؛ تقوا فعالیت افراد را در عمل تقویت و حمایت می‌کند و افراد را تشویق می‌کند تا به سمت هدف نهایی حرکت نمایند. رفتار غیراخلاقی در سازمان‌های دولتی و حکومتی معمولاً هنگامی که اصول اخلاقی محدود می‌شود، بروز و ظهور می‌نمایند (کویر، ۲۰۰۱).

امروزه مدیریت دولتی خود را با چالش‌های اخلاقی ژرفی روبه‌رو می‌بیند و دولت‌ها برای کسب و افزایش اقتدار و مشروعیت خود می‌بایست به این چالش اخلاقی پاسخ دهند تا از این طریق بتوانند موجب مشارکت و اعتماد شهروندان نسبت به دستگاه دولت شده و از این طریق دولت‌ها بتوانند در راستای حکمرانی خوب، ایفای نقش نمایند (محمدی، ۹۶: ۴).

واقعیت آن است که اخلاق هرگز در مدیریت دولتی معادل موضوعاتی مثل کارایی، صرفه‌جویی و اثربخشی موردتوجه قرار نگرفته است؛ اما این مهم عمدتاً به دلیل مفروضات مطرح در قرن ۱۹ از سوی اصلاح‌طلبان خدمات کشوری مانند ویلسون (۱۸۸۷) موردتوجه قرار گرفته است و در همین راستا، ویلسون فضای اخلاقی زندگی کاری را با ایجاد ادارات دولتی با اعتماد عمومی معرفی می‌نماید و این امر موجب گشایش راهی برای کار عملی درخصوص موضوع اخلاق شده است (کویر، ۲۰۰۱: ۳۵۵-۳۵۷). مطالعات موجود در اوایل دهه ۱۹۹۰، ارتباط بین اخلاق و عملکرد را در ادبیات مدیریت دولتی نشان می‌دهد. دولت اخلاقی بسیار کارآمد و دموکراتیک و دارای نقش حیاتی است. اخلاق ممکن است تنها وسیله‌ای برای بهبود وضعیت باشد. به عبارت دیگر، مدیران دولتی و سیاست‌گذاران نمی‌توانند تصور کنند که سیاست‌های عمومی ناشی از خلأ اخلاقی است. در واقع، این خلأ به احتمال زیاد ناشی از درک برنامه‌ها، سیاست‌ها و بررسی روزبه‌روز فعالیت‌های دولت است (پوپ و دیگران، ۲۰۱۱). استفاده مناسب از قدرت یکی از موضوعات اصلی در اخلاق سازمانی است و تأکید می‌شود که مسئله قدرت، مشکل اصلی روابط

اجتماعی می‌باشد. فالت پیشنهاد می‌کند که مفهوم رایج (قدرت - با) مردم، جایگزین مفهوم (قدرت - بر) مردم شود. فالت اصرار دارد که مدیران باید از مسئولیت‌های اجتماعی‌شان آگاه باشند؛ نه تنها به‌عنوان یک شهروند؛ بلکه به‌عنوان یک عضو حرفه‌ای، مدیران باید درک کنند که افرادی حرفه‌ای و دارای مسئولیت بزرگ هستند و آن‌ها سهم بزرگی در عملکرد جامعه دارند (۲۰۰۶: ۲-۳). برخی از نویسندگان، ویژگی‌های اخلاقی ویژه‌ای را برای کارگزاران دولتی در نظر می‌گیرند. دنه‌ارت (۱۹۸۶) ویژگی‌های اخلاقی همچون: وفاداری، صداقت، تواضع و دیگر ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری را برای مدیران دولتی نام می‌برد. کولت اوف و دیگران (۲۰۰۷) یک دسته‌بندی از رفتارهای ضد شرافت کاری به‌شرح زیر ارائه می‌دهند:

۱. فساد؛
 ۲. کلاه‌برداری و دزدی از منابع؛
 ۳. قول‌ها، هدایای مشکوک؛
 ۴. تضاد منافع از طریق مشاغل و فعالیت‌های خارج از سازمان؛
 ۵. اعمال نادرست خشونت علیه شهروندان؛
 ۶. روش‌های نادرست پلیسی؛
 ۷. سوء استفاده و دستکاری اطلاعات؛
 ۸. تبعیض و آزار جنسی، رفتار زننده همکاران یا شهروندان؛ (کولت اوف و دیگران، ۲۰۰۷: ۸).
- کولت اوف و دیگران (۲۰۰۷) چهار نکته برای راهنمایی اخلاقی کارکنان دولت ارائه می‌نمایند:

۱. عدالت را در لوای قانون جست‌وجو کنید؛
 ۲. در جهت منافع ملی حرکت کنید؛
 ۳. با دلسوزی و همدلی رفتار کنید؛
 ۴. مسئولیت‌های فردی را برای تصمیم‌گیری بپذیرید؛ (کولت اوف و دیگران، ۲۰۰۷: ۱۴).
- امروزه از کارکنان بخش دولتی که ایفای نقش حکمرانی را به‌عهده دارند انتظار می‌رود، افزون‌بر توجه به ارزش‌های سستی همچون بی‌طرفی، عدالت، انصاف، وجهه عمومی، مسئولیت‌پذیری و امانت‌داری به ارزش‌هایی نظیر حرفه‌ای‌گرایی، کارگروهي، نوآوری و کیفیت نیز توجه نمایند (واکسین و بتمن، ۲۰۰۹: ۴۲). وایت (۲۰۰۳) بیان می‌دارد، خدمات دولتی باید براساس شرافت و راستی استوار باشد و بی‌طرفی سیاسی قسمت مهمی از یک تصویر مثبت و اخلاقی از این موضوع است (کایر، ۲۰۰۷: ۳۵۲). فرازمنند

(۲۰۰۹) اظهار می‌دارد که حساسیت نسبت به منافع عمومی، بنیادی‌ترین تعهد اخلاقی دولت است و کمترین تعهدی است که اغلب در میان تازه‌کاران و به‌ویژه آن‌هایی که از طریق روابط دوستی به پست‌های کلیدی منصوب شده‌اند، وجود دارد. خدمتگزاران شایسته دولتی، افرادی هستند که مبنای تفکر آن‌ها رفاه عمومی، خیر و صلاح همگان است (فرازمند، ۲۰۰۹: ۲۹۵-۲۹۷). در قانون اساسی اصرار بر تعهد اخلاقی مقامات دولتی برای حمایت از ارزش‌های اصلی از جمله آزادی، اختیار، برابری، رفتار منصفانه، عدالت و... وجود دارد. در این دیدگاه، بهره‌وری از طریق ارزش‌های اخلاقی و سیاسی دموکراتیک، مورد سنجش قرار می‌گیرد. قانون اساسی؛ کانونی برای موضوع منافع عمومی است. حفظ اصول و ارزش‌های قانون اساسی مهم‌ترین روش برای مطالعه و تمرین اخلاق در مدیریت دولتی در نظر گرفته شده است (فرازمند، ۲۰۰۹: ۳۰۷-۳۰۹).

حکمرانی، واژه‌ای است که بیانگر تغییر پارادایم نقش دولت و حکومت‌هاست (شارعی، ۲۰۱۶: ۳۱۵)؛ حکمرانی تنها در مورد دستگاه‌ها یا بازیگران نیست؛ بلکه از آن مهم‌تر در مورد کیفیت حکمرانی است که توسط شاخص‌ها و ابعادی آن را تشریح می‌کنند (رحیمی، ۲۰۱۲: ۴۵). حکمرانی خوب را مدیریت اثربخش منابع اقتصادی و اجتماعی یک کشور می‌دانند به گونه‌ای که چنین مدیریتی شفاف، پاسخگو، عدالت‌جو و باز باشد (وین، ۲۰۱۴: ۶۷۸). حکمرانی خوب از نظر بانک توسعه آفریقا همان حکمرانی خوبی است که براساس چهار مبنای به‌هم‌پیوسته «پاسخگویی، شفاف، قابلیت پیش‌بینی و مشارکت» باشد (سانتیسو، ۲۰۰۳: ۲۹۹). برای تحقق حکمرانی خوب، باید درک مشترکی از رهبری و هدف مشارکت بین مردم و رهبران وجود داشته باشد. در قرن حاضر یکی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی که در رهبران مدنظر است «رهبری اخلاقی» است (تقی‌زاده، ۲۰۱۵: ۱۰۱). رهبری اخلاقی از جمله بحث‌هایی است که از دهه‌های پایانی قرن بیستم وارد حوزه مدیریت و رهبری شده است؛ در همین زمینه تحقیقات گوناگونی نیز انجام گرفته و هنوز هم در حال انجام است (براون، ۲۰۰۶: ۶۱۰). با ورود معنویت و اخلاقیات به عرصه سازمان و مدیریت کشور، به‌عنوان چالش قرن بیست‌ویکم، مدیران و رهبران سازمان‌ها به‌ویژه نهادهای دولتی باید الزاماً با این پدیده نوپا دست‌وپنجه نرم کنند (مایر و همکاران، ۲۰۱۲: ۸۹). علت مهم رهبری ضعیف در بخش دولتی، فقدان صداقت اخلاقی در بین مقامات دولتی است و این یکی از عناصر ضروری رهبری خوب است که پایه و اساس حاکمیت خوب هست (دوستار و همکاران، ۲۰۱۶: ۳۵). استاندارد حاکمیت و پیامدهای آن در هر حکومتی بازتاب عملکرد مقاماتی است که نیروی اجرایی را شکل می‌دهند. سازمان‌های دولتی در ارتقای حاکمیت خوب نقش مهمی دارند. حاکمیت خوب در کشورهای

جهان سوم همانند دیگر نقاط جهان بر پایه فاکتورهای بسیاری چون رهبری سالم است و مشارکت مردم را در فرایند حکومت موجب می‌شود و نیز بر پایه پاسخگویی و شفافیت حکومت است. رهبری سالم و خوب می‌تواند از سوی مردان و زنان برخوردار از صداقت اخلاقی تضمین شود که به اهمیت و نقش اخلاقیات در فرایند رهبری، برای دستیابی به منافع مشترک واقف هستند (دوستار و همکاران، ۲۰۱۶: ۳۰). زمانی که رهبران افرادی اخلاقی (برای مثال صداقت، نگرانی درباره دیگران، قابل اعتماد) هستند، به‌عنوان مرجعی معتبر می‌توانند محیطی را ایجاد کنند که باعث آگاهی کارکنان از مسائل اخلاقی و تمایل به حفظ استانداردهای اخلاقی شوند که در نتیجه آن وجود جوی اخلاقی در سازمان باعث تحریک انگیزه‌های مثبت در کارکنان می‌شود (السی و همکاران، ۲۰۱۳: ۶۱). زمانی که کارکنان در محیطی فعالیت می‌کنند که با رفتارهای اخلاقی، صداقت اهمیت دادن به دیگرین و عدالت میان فردی همراه است، رضایت بیشتر و تعهد بیشتری دارند (براون، ۲۰۰۵: ۱۲۰).

پیشینه

مرور پیشینه پژوهش این واقعیت را مشخص می‌کند که باوجود بیان سخنان تحلیلی و یا نوشته‌های فراوان، پژوهش‌های علمی درباره مکتب حاج قاسم سلیمانی و یا مؤلفه‌های حکمرانی و اخلاق حکمرانی شهید سلیمانی صورت نگرفته است و با توجه به دغدغه اندیشمندان انقلاب اسلامی، امید است در آینده نه‌چندان دور شاهد ارائه محصولات علمی ارزشمندی در این موضوع باشیم؛ اما در زمینه اخلاق حکمرانی و حکمرانی اخلاقی پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است که در ادامه برخی از پژوهش‌هایی که در حوزه اخلاق در حکمرانی صورت پذیرفته است ارائه شده است.

۱. خرم‌پور (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت عنوان «بایسته‌های اخلاقی مدیریت معنوی امام علی(ع) در بعد حکومت‌داری اجتماعی» ۲۷ شاخصه و صفات در رابطه با بایسته‌های اخلاقی حاکمان جامعه مشخص و ارائه کرده است.

۲. محمدی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیلی انتقادی بر فلسفه اخلاق در مدیریت دولتی و حکومت‌داری» به «بررسی چرایی اخلاق در بخش دولتی و مشخص و استخراج پاره‌ای از اصول اخلاقی در بخش دولتی» پرداخته است و جنبه‌های بارز اخلاقی در بخش دولتی در قالب الگوی مفهومی ارائه نموده است. در این مقاله برای بررسی و تحلیل و واکاوی اخلاق در بخش دولتی چهار سازه اصلی پیشنهاد شده است که شامل موارد ذیل می‌گردد: توجه به چرایی وجود مدیریت اخلاقی در بخش دولتی،

توجه به ویژگی‌های رفتار اخلاقی کارگزاران دولتی، توجه به ادراک عمومی از اخلاق دولتی و توجه به منافع ملی و خواست مردم.

۳. موسوی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای نقش اخلاق اسلامی در حکمرانی مطلوب را بررسی نموده است. در این پژوهش چهار اصل حاکمیت مطلوب در اسلام شامل: اصل اعتقاد به یگانگی خدا یا توحید، اصل حاکمیت خدا بر همه پدیده‌ها، اصل خلیفه‌اللهی انسان و اصل حاکمیت انسان بر سرنوشت خویش تبیین شده است و همچنین شاخص‌های حاکمیت مطلوب در اسلام و اختلاف فلسفی آن‌ها با نظام دموکراتیک ارائه گردیده که به شرح ذیل است:

شاخص‌ها: شاخص حق اظهارنظر، شاخص شفافیت، شاخص دادرسی عادلانه، شاخص حکومت قانون، شاخص کنترل فساد، شاخص مشارکت، شاخص عدالت و انصاف، شاخص پاسخگویی و شاخص مسئولیت‌پذیری.

اختلاف‌ها: اختلاف در تعریف منشأ انسان، اختلاف در تعریف کرامت انسانی، اختلاف در تعریف آزادی، اختلاف در مالکیت خصوصی و اختلاف در حقوق زن.

۴. محقق و همکاران (۱۳۸۸) در تحقیق خود به بررسی اخلاق حاکمان از دیدگاه افلاطون پرداخته‌اند و ۱۰ مؤلفه اخلاق حاکمان از دیدگاه افلاطون مشخص و ارائه شده است که به شرح ذیل است: حکمت، شجاعت، اعتدال، عدالت، عقل‌مداری و قدرت تمییز، زیبایی دوستی و هماهنگی بیرونی و درونی، هشیاری، فداکاری، عفت و دوری از تقلید.

۵. رودرا و سانیا (۲۰۱۱) در بررسی رابطه حکمرانی خوب و توسعه انسانی در ایالت‌های هندوستان به این نتیجه رسیده‌اند که الگوهای حکمرانی در دوره‌های گذشته بر روند حکمرانی آینده مؤثر است و حکمرانی خوب و توسعه انسانی دوره‌های پیشین توسعه فعلی هندوستان را تعیین می‌کنند.

روش تحقیق

این پژوهش با توجه به نقش و اثر آن در میان مخاطبان (مدیران، کارگزاران و علاقه‌مندان به مکتب شهید سلیمانی) از نوع کاربردی است. هدف پژوهش ارائه الگویی به‌منظور فهم و شناخت دقیق‌تر جلوه‌ای از جلوه‌های مکتب شهید سلیمانی یعنی مؤلفه‌های اخلاق حکمرانی این مکتب در قالب شبکه مضامین با استفاده از تحلیل مضمون است. برای شناسه‌گذاری مطالب از نرم‌افزار MAXQDA 10 استفاده شده است و شکل شماره یک که مؤلفه‌های اخلاق حکمرانی شهید سلیمانی را به تصویر کشیده است با استفاده از نرم‌افزار Mind Mapper ترسیم شده است. فرض پژوهشگر در این پژوهش این بوده است که عملکرد شهید سلیمانی از دید حکمرانی، شناسه‌های اخلاقی ویژه‌ای دارد. با در نظر گرفتن ادبیات مربوط به حکمرانی و اخلاق حکمرانی به مطالعه دقیق متن مجموعه منابع در دسترس پیرامون شهید سلیمانی با مدنظر قرار دادن اصول تحلیل مضمون پرداخته و مفاهیم پایه، سازمان‌دهنده و نیز عالی مشخص و ارائه شده است. روش‌های گوناگونی برای تحلیل مضمون وجود دارد که هر یک از آن‌ها، فرایند خاصی را دنبال می‌کند؛ در این مقاله، با ترکیب روش پیشنهادی کینگ و هاروکس (۲۰۱۰)، براون و کلارک (۲۰۰۶) و آتراید و استیرلینگ (۲۰۰۱) فرایند گام‌به‌گام و جامعی برای تحلیل مضمون طی شده است. در این پژوهش، فرایند تحلیل مضمون در قالب سه مرحله کلی انجام شده است که عبارت است از: الف) تجزیه و توصیف متن، ب) تشریح و تفسیر متن و ج) ادغام و یکپارچه‌کردن دوباره متن، درحالی‌که همه این مراحل با تفسیر و تحلیل همراه است؛ اما در هر مرحله از تحلیل، سطح بالاتری از انتزاع به‌دست می‌آید.^۱ راهبرد تحقیق کیفی است و همان‌طور که ذکر شد روش محوری مورد استفاده در این پژوهش تحلیل مضمون است.

چگونگی انجام پژوهش بدین صورت است که منابع موجود و در دسترس که راهنما و مشخص‌کننده نگاه، افکار و وجوه رفتاری شهید سلیمانی بود، مشخص شدند که عبارت است از: متن وصیت‌نامه شهید، مصاحبه مفصل شهید بزرگوار با محوریت جنگ سی‌وسه روزه، سخنرانی‌های شهید، متن پیام تسلیت رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی)، سخنرانی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) پیرامون شخصیت ایشان، مصاحبه سید حسن نصرالله و مجموعه مصاحبه‌های موجود اطرافیان و هم‌زمان شهید. سپس متن همه منابع فوق به‌صورت دقیق مطالعه گردیده و گزاره‌های کلیدی استخراج گردید. در گام بعد با مطالعه دقیق

1. Attride – Stirling, 2001: 388

گزاره‌های کلیدی استخراج‌شده، مفاهیم پایه‌شناسایی شد و پس‌از آن با مرور و بررسی مفاهیم پایه و تجزیه و تحلیل آن‌ها، مفاهیم سازمان‌دهنده انتخاب گردیدند و در نهایت با مرور چندباره مفاهیم سازمان‌دهنده و تأمل و دقت در مفاهیم و مراجعه به متن اصلی، مفاهیم عالی و مؤلفه‌های اخلاق حکمرانی در مکتب شهید سلیمانی استخراج شد.

یافته‌ها

در این پژوهش پس از مطالعه و بررسی سخنرانی‌های در دسترس از شهید سلیمانی، پیام و سخنرانی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، متن وصیت‌نامه ایشان، مصاحبه شهید سلیمانی با موضوع جنگ سی‌وسه روزه، مصاحبه سید حسن نصرالله، مصاحبه‌های موجود اطرافیان شهید، با روش تحلیل مضمون مجموعاً ۲۶۷ گزاره پایه استخراج گردید و با بررسی دقیق‌تر و تأمل در جملات و کلمات ۹۳ مفهوم سازمان‌دهنده تعریف گردید؛ در جدول شماره یک نمونه‌ای از مفاهیم پایه استخراج‌شده و در جدول شماره دو نمونه‌ای از مفاهیم سازمان‌دهنده و در جدول شماره سه مجموعه مفاهیم سازمان‌دهنده ارائه گردیده است. در نهایت ۲۴ مفهوم عالی به‌عنوان مؤلفه‌های اخلاق حکمرانی در مکتب شهید سلیمانی به‌عنوان نتیجه تحقیق ارائه گردیده است که در شکل شماره یک ارائه گردیده است.

جدول ۱: نمونه مفاهیم پایه مستخرج از تحلیل مضمون منابع مرتبط با مکتب شهید سلیمانی

منبع	شماره	گزاره‌ها و مفاهیم پایه
V	۳	ما در همان راهی قراردادی که آن‌ها در همان مسیر، جان خود را که جان جهان و خلقت بود، تقدیم کردند.
V	۴۵	جهان اسلام پیوسته نیازمند رهبری است؛ رهبری متصل به و منصوب شرعی و فقهی معصوم.
V	۶۷	وصیت می‌کنم اسلام را در این برهه که تداعی یافته در انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی است، تنها نگذارید.
MS	۱۴	شهید حاج قاسم سلیمانی مرد روزهای سخت و دشوار بود.
MS	۳۴	مشخص شد شخصیت حاج قاسم طوری است که یک فرمانده نظامی صرف نیست؛ بلکه مسائل امنیتی را هم خیلی عمیق و جدی می‌فهمد؛ یعنی یک آدم امنیتی به‌معنای تخصصی‌اش است.
MS	۶۷	او یک شخصیت چندوجهی بود.
MH	۲۵	در این بیست سالی که در محضر آقا بودم، نتیجه تقوا را و ثمره آن را که حکمت می‌شود و بر زبان و بر دل و بر عقل جاری می‌شود، من در آقا به‌طور کامل دیدم.

منبع	شماره	گزاره‌ها و مفاهیم پایه
MM	۵	شهید سپهد سلیمانی مرد جهاد و حماسه بود.
MP	۳۲	حاج قاسم سلیمانی، یک امت بود.
MP	۴۵	من قسم می‌خورم که امام زمان در نمازهای شبش حاج قاسم سلیمانی را دعا می‌کند.
MP	۸۹	حاج قاسم را همانند عضوی از خانواده‌ام دوست داشتم. از اقوامم نیست؛ ولی عاشقانه دوستش داشتیم.
MP	۹۹	ایشان یک شخصیت بارز و مطرح جهانی بود که با رفتنش، نه تنها ایران بلکه کل جهان اسلام را عزادار کرد.
R	۷	سال‌ها مجاهدت مخلصانه و شجاعانه در میدان‌های مبارزه با شیاطین و اشرار عالم
R	۹	او همه عمر خود را به جهاد در راه خدا گذراند.
SH	۸۵	شهادت در این زمان مهم‌تر از ۳۰۰ سال قبل است.
SH	۱۲۶	در جهادی که می‌کنید ظلم نکنید؛ نه باید مظلوم باشید که پا بر ما بماند و نه ظالم باشید.
SH	۱۲۹	مجاهد متشخص‌ترین شخص است و در اخلاق و رفتار و ظاهر و باطن تشرع دارد.

جدول ۲: نمونه مفاهیم سازمان‌دهنده مستخرج از تحلیل مضمون منابع مرتبط با مکتب شهید سلیمانی

منبع	شماره	گزاره پایه	گزاره سازمان‌دهنده	گزاره عالی
V	۲۳	اسلام پشتوانه ایران و ایران پشتوانه اسلام	قداست و حرمت جمهوری اسلامی	پاسدار انقلاب و نظام
SH	۱۰۰	حق جمهوری اسلامی و ولایت‌فقیه است.		
SH	۹۴	حمایت بدون هرگونه ملاحظه از انقلاب، جمهوری اسلامی و ولی‌فقیه		
V	۵۵	اسلام تداعی یافته در انقلاب اسلامی		
SH	۴۵	اگر نظام آسیب ببیند دین و ارزش‌ها از بین می‌رود.		
...
MS	۲۰	هوشمندی و توجه خاص در دفاع از انقلاب	حفاظت از انقلاب اسلامی	پاسدار انقلاب و نظام
MS	۴۶	پرهیز از تضعیف اسلام و انقلاب		
V	۴۵	تنها نگذاشتن انقلاب		
...
MP	۴۳	تأکید بر حفظ و حمایت از نظام	حفظ نظام وظیفه	پاسدار انقلاب و نظام

منبع	شماره	گزاره پایه	گزاره سازمان‌دهنده	گزاره عالی
SH	۷۷	هیچ واجبی به پای دفاع از نظام نمی‌رسد.	همگانی	
...	

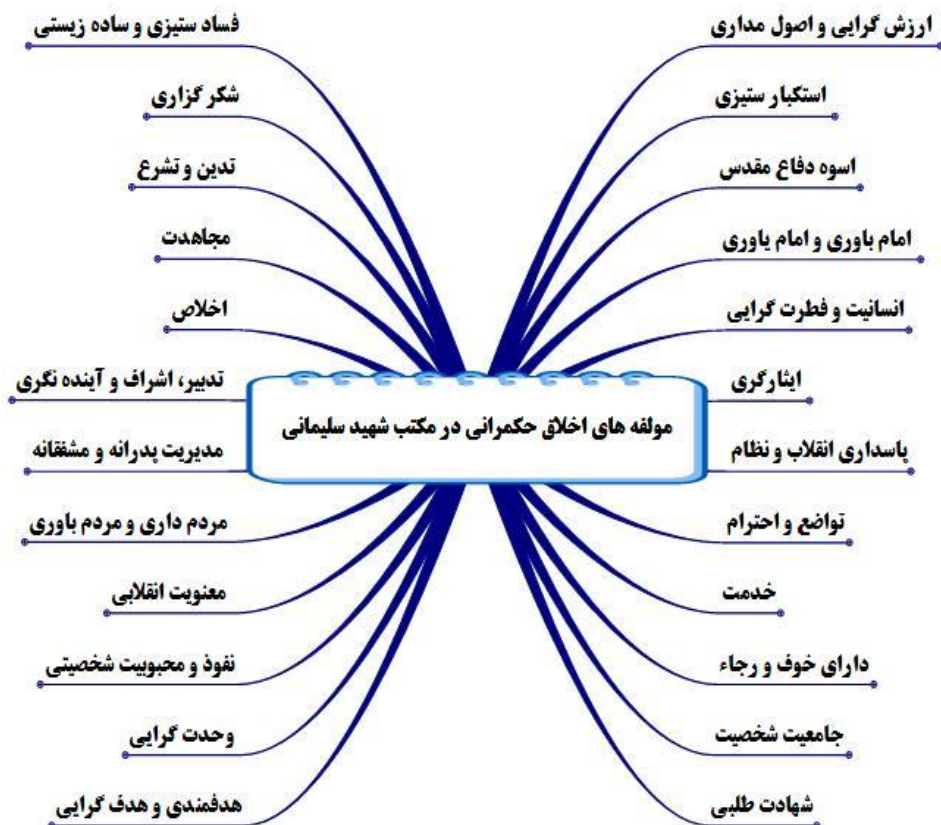
جدول ۳. مفاهیم سازمان‌دهنده مستخرج از تحلیل مضمون منابع مرتبط با مکتب شهید سلیمانی

ردیف	عنوان
۱	ایمان و شهادت به‌حق بودن اصول دین
۲	شکرگزار خدا
۳	خمینی‌باور و خمینی‌یاور
۴	ایمان به مسیر
۵	ایمان به شهادت و عظمت شهدا
۶	احساس فقر و عجز مقابل خدا
۷	امیدوار
۸	ارزش اشک
۹	شوق وصال
۱۰	آرزوی شهادت
۱۱	نیاز به امام
۱۲	حرمت و عظمت ملت ایران
۱۳	پشتوانه معنوی یاد و خاطره شهدا
۱۴	طلب حلالیت و بخشش
۱۵	پرداختن به سیاست
۱۶	مسئولیت در قبال اسلام
۱۷	مسئولیت در قبال مردم
۱۸	مقابله با فساد و دوری از تجملات
۱۹	پرکار
۲۰	قداست و حرمت جمهوری اسلامی
۲۱	زمان‌شناسی
۲۲	احترام به علما
۲۳	تحمل

ردیف	عنوان
۲۴	خطرپذیری
۲۵	ذو ابعاد بودن
۲۶	نگاه عالی به شهادت
۲۷	حضور مستمر میدانی
۲۸	شناخت جامع
۲۹	بهره‌ور
۳۰	تواضع همیشگی
۳۱	مؤثر
۳۲	خلاق
۳۳	مبارزه با آمریکا
۳۴	خدایم‌جوری
۳۵	اسلام قدرت آفرین
۳۶	استراتژیست
۳۷	قدرشناسی از مردم
۳۸	اخلاص در جنگ
۳۹	مجاهد
۴۰	اعتقاد به رهبر
۴۱	حفظ نظام وظیفه همگانی
۴۲	مدیر
۴۳	هوشمند
۴۴	حضور قدرتمند
۴۵	مقتدر و مظلوم
۴۶	جهاد و حماسه
۴۷	جهاد و مبارزه
۴۸	محبوب
۴۹	پرهیز از تفرقه
۵۰	نعمت اسلام
۵۱	پرهیز از اختلاف

ردیف	عنوان
۵۲	احترام به خانواده و یادگاران شهدا
۵۳	احترام به نیروهای مسلح
۵۴	پناهگاه مردم و مستضعفین
۵۵	اصالت دادن به انسانیت و عاطفه‌ها و فطرت‌ها
۵۶	حفاظت از انقلاب اسلامی
۵۷	ترجیح رنگ خدا
۵۸	رنگ خدایی ولایت فقیه
۵۹	توسعه‌گر ارزش‌ها
۶۰	نگاه عالی به خدمت
۶۱	پدر جامعه و پیروان
۶۲	تربیت و حراست جامعه
۶۳	مسئول استحکام خانواده
۶۴	شجاعت و قدرت اداره بحران
۶۵	خامنه‌ای باوری و خامنه‌ای باوری
۶۶	شناخت از دشمن و عمل به هنگام
۶۷	معنویت
۶۸	متفکر و مبتکر
۶۹	نگاه عالی به جهاد
۷۰	ایستادگی
۷۱	خدمتگزار
۷۲	اخوت هم‌زیستی و برادر در جامعه
۷۳	اثر امام
۷۴	الگو قرار دادن دفاع مقدس
۷۵	شجاعت و قدرت اداره بحران
۷۶	مدافع ارزش‌ها
۷۷	مدافع انسانیت
۷۸	هدفمند
۷۹	آخرت‌گرا

ردیف	عنوان
۸۰	مخلص
۸۱	تواضع در برابر امام
۸۲	عبرت از رابطه با آمریکا
۸۳	کار بزرگ امام
۸۴	قطع تعلق به دنیا
۸۵	مردم‌باوری
۸۶	جامعه اینارگر و جامعه بی‌اینار...
۸۷	بلاگردان مقدسات
۸۸	مفهوم و روح اینار
۸۹	مجاهدت مخلصانه
۹۰	سال‌ها مجاهدت
۹۱	شهادت پاداشش
۹۲	کار با اخلاص



شکل ۱: مؤلفه‌های اخلاق حکمرانی در مکتب شهید سلیمانی

بحث و استدلال

در این نوشتار ابتدا به بیان مختصری از سیر نظریات در باب مدیریت دولتی و ادبیات حکمرانی متناسب با شرایط پیچیده امروزی مطرح پرداخته شد. همچنین بحث شد که ادبیات حکمرانی در حال گذران سیر تکاملی خود است و حکمرانی خوب، حکمرانی شبکه‌ای، حکمرانی همکارانه و... از مصادیق گذران این سیر است. در رابطه با اخلاق حکمرانی و اهمیت آن، نکاتی ارائه گردید که شاید یکی از محوری‌ترین نکات عبارت است از: «برگ برنده الگوهای حکمرانی در داشتن الگوی اخلاق حکمرانی متقن و تحقق آن است.» سپس مؤلفه و شناسه‌های اخلاق حکمرانی در نظریات گوناگون ارائه گردید. در ادامه چرایی پرداختن به استخراج مؤلفه‌های اخلاق حکمرانی شهید سلیمانی به‌عنوان یکی از جلوه‌های مکتب شهید سلیمانی مطرح گردید. در این پژوهش ۲۴ مؤلفه به‌عنوان مؤلفه‌های اخلاق حکمرانی در مکتب شهید

سلیمانی ارائه گردیده است که عبارتند از: ارزش‌گرا و اصول‌مدار، استکبارستیز، اسوه دفاع مقدس، امام‌باور و امام‌یاور، انسانیت و فطرت‌گرا، ایثارگر، پاسدار انقلاب و نظام، تواضع و احترام، خادم، دارای خوف و رجا، شخصیت جامع، شهادت‌طلب، فساد ستیز و ساده‌زیست، شاکر، متدین و متشعر، مخلص، مجاهد، مدیر، مشرف و آینده‌نگر، مدیریت پدرانه و مشفقانه، مردم‌دار و مردم‌باور، معنویت انقلابی، نفوذ و محبوبیت شخصیتی، وحدت‌گرا و هدفمند و هدف‌گرا.

نتایج تحقیق و مؤلفه‌های استخراج‌شده اولاً هم‌راستای تحقیقات پیشین در حوزه اخلاق حکمرانی از قبیل: ویژگی‌های اخلاقی مدیران دولتی دهنارت (۱۹۸۶)، راهنمای اخلاقی کارکنان دولت کولت اوف و دیگران (۲۰۰۷)، موضوع تقوا در کارگزاران کویر (۲۰۰۱)، اخلاق حاکمان از دیدگاه افلاطون محقق و همکاران (۱۳۸۸)، سه عنصر رهبری اخلاقی دهوق و دن هارنگ (۲۰۰۸)، بایسته‌های اخلاقی مدیریت معنوی امام علی علیه‌السلام در بعد حکومت‌داری خرم‌پور (۱۳۹۷)، اخلاق اسلامی موسوی و همکاران (۱۳۹۷) است و ثانیاً نشان از شخصیت بزرگ شهید سلیمانی و توصیف به‌حق رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله العالی) از ایشان به «مکتب» دارد و این گزاره را متذکر می‌گردد که هنوز تا شناخت دقیق شخصیت ایشان پی بردن به ابعاد وجودی این شهید بزرگوار راهی بس طولانی در پیش است. همچنین نتایج این تحقیق، نشان‌گر تربیت دینی و عمق باورهای اسلامی شهید سلیمانی است و اغلب مؤلفه‌های اخلاقی مشخص شده مرتبط با آموزه‌های دینی اسلامی است. مؤلفه‌های مشخص شده را می‌توان بسط عبارت «حکمران مسلمان انقلابی» دانست و شایستگی‌های حکمرانی، تقیدها و آموزه‌های اسلامی و روحیه انقلابی کاملاً در نتایج ارائه شده و ظهور دارد؛ در همین راستا مؤلفه‌هایی مانند دارای خوف و رجا، اخلاص، تدین و تشرع، شکرگزاری، انسانیت، فطرت‌گرایی و... از مؤلفه‌های مرتبط با کلیدواژه «مسلمان»، مؤلفه‌هایی همچون استکبارستیزی، اسوه دفاع مقدس، امام‌باوری و امام‌یاوری، مجاهدت، فساد ستیز و ساده‌زیست، پاسداری از انقلاب و نظام و... در ارتباط با کلیدواژه «انقلابی» و نیز مردم‌داری و مردم‌باوری، خدمت، تواضع و احترام، مدیریت پدرانه، تدبیر، اشراف و آینده‌نگری و... ذیل کلیدواژه «حکمران» قابل دسته‌بندی می‌باشند.

موضوع حکمرانی انقلاب اسلامی از مباحث جدید و بسیار پربحث و چالش‌برانگیز در ادبیات حکمرانی است؛ با توجه به شرایط و اقتضائات انقلاب اسلامی ایران از قبیل ورود کشور به دهه پنجم انقلاب، قرار گرفتن در مرحله دولت‌سازی، ارائه اسناد راهبردی همچون الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت و بیانیه گام دوم انقلاب، تأکیدات بسیار در باب مشارکت مردمی در رشد و تعالی کشور و نیز مباحثی از قبیل «آتش به

اختیار»، اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی و یا حتی «اقتصاد مقاومتی» نیاز به تحقیقات بیشتر و بومی‌سازی ادبیات حکمرانی با اقتضائات کشور بیش‌ازپیش احساس می‌شود. قطعاً الگوی حکمرانی غربی پاسخگوی مسائل و نیازهای حال حاضر و آتی کشور نیست و ارائه الگوی بومی و اقتضایی حکمرانی متناسب با اقتضائات اسلامی و ایرانی و تبیین اخلاق حکمرانی مبتنی بر این مبانی می‌تواند نقش مهمی در اعتلای کشور داشته باشد؛ در این راستا شناسایی الگوهای موفق شکل‌یافته در همین بستر و تبیین ابعاد آن می‌تواند نقش اثرگذاری در ارتقای اعتمادبه‌نفس عمومی، ترویج و گفتمان‌سازی ادبیات مقاومت و انقلاب اسلامی و نهادسازی‌های نوین پیش‌رو داشته باشد. بازخوانی و تبیین و ترویج ابعاد گوناگون مکتب شهید سلیمانی در راستای این مهم است. این پژوهش گامی بسیار کوچک در این جهت بود و امید است با ورود پژوهشگران و صاحب‌نظران در حوزه تولید علم و محتوای بومی نیز شاهد جهش تولید در این حوزه باشیم. بی‌شک «مکتب شهید سلیمانی» زمینه غنی و وسیعی برای تحقیقات آتی در حوزه حکمرانی انقلاب اسلامی در جهت تحقق تمدن نوین اسلامی به‌وجود خواهد آورد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

۱. خراسانی، رضا (۱۳۸۳). اخلاق و سیاست در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۲. سالارزهی، حبیب‌الله و ابراهیم‌پور، حبیب (۱۳۹۱). بررسی سیر تحول در پارادایم‌های مدیریت دولتی: از پارادایم مدیریت دولتی سنتی تا پارادایم حکمرانی خوب، فصلنامه مدیریت دولتی، ۴ (۹)، ۴۳-۶۲.
۳. رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۶). توسعه و تضاد، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.
۴. زارعی، محمدحسین (۱۳۸۳). حکمرانی خوب، حاکمیت و حکومت در ایران، مجله تحقیقات حقوقی، ۷ (۴۰)، ۱۵۸.
۵. خرم‌پور، فیروزه (۱۳۹۷). بایسته‌های اخلاقی مدیریت معنوی امام علی علیه‌السلام در بعد حکومت‌داری اجتماعی، فصلنامه علمی تخصصی رهیافت فرهنگ دینی، ۱ (۴).
۶. کایر، آنه مته (۱۳۸۶). حکمرانی (مفاهیم کلیدی)، ترجمه ابراهیم گلشن و علی آدوسی، تهران: انتشارات مؤسسه آموزش عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
۷. مفردات راغب اصفهانی، ترجمه غلامرضا خسروی، جلد ۱، انتشارات مرتضوی.
۸. محمدی، حامد (۱۳۹۶). تحلیلی انتقادی بر فلسفه اخلاق در عرصه مدیریت دولتی و حکومت‌داری، دو فصلنامه علمی - تخصصی اسلام و مدیریت، ۶ (۱۱)، ۷۷-۹۸.
۹. موسوی، سید زین‌العابدین؛ آقایی جنت‌مکان، حسین و نوروزی، نورمحمد (۱۳۹۷). نقش اخلاق اسلامی در حکمرانی مطلوب، پژوهش‌های اخلاقی، ۶ (۴)، ۲۰۳-۲۲۴.
۱۰. معین، محمد (۱۳۸۶). فرهنگ معین، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۱. میدری، احمد و خیرخواهان، جعفر (۱۳۸۳). حکمرانی خوب، بنیان توسعه، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران.
۱۲. محقق، مهدی؛ میردامادی، سید محمد و دسترنجی، حکیمه (۱۳۸۸). فلسفه اخلاق حاکمان از دیدگاه افلاطون، بیک نور، ۸ (۳).

۱۳. نادری، محمدمهدی (۱۳۹۰)، حکمرانی خوب، معرفی و نقد، مجله اسلام و پژوهش‌های

مدیریتی، ۱۳۹۰

۱۴. نیکونستی، علی (۱۳۹۱)، حکمرانی و توسعه: گذشته، حال، آینده، فصلنامه علمی پژوهشی

برنامه‌ریزی و بودجه، ۱۶ (۴)، ۱۲۹ - ۱۵۴.

۱۵. واعظی، رضا (حکمرانی همکارانه).

(ب) منابع انگلیسی

- Alexander, Jeffery A., Maureen E. & Comfort, Bryan J. Weiner (1998). Governance in public-private community health partnerships: A survey of the Community Care Network: SM demonstration sites. *Nonprofit Management & Leadership*, 8, 231-332.
- Amsler, Lisa Blomgren (2016). Collaborative Governance: Integrating Management, Politics, and Law. *Public Administration Review*, 10, 1-12.
- Ansell, Chris, & Gash, Alison (2008). Collaborative Governance in Theory and Practice. *Journal of Public Administration Research and Theory*, 18 (4), 543-71.
- Bradford, Neil (1998). Prospects for associative governance: Lessons from Ontario. *Canada Politics & Society*, 26, 539-73.
- Bardach, Eugene, and Robert A. Kagan. 1982. *Going by the Book: The Problem of Regulatory Unreasonableness*. Philadelphia: Temple University Press.
- Bevir, M. (2008). *Key concepts in governance*. Sage.
- Brown M, Trevino L. (2006). Ethical leadership: a review and future directions. *The Leadership Quarterly*; 17(3): 595-616.
- Cardy, R. & Selvarajan, T. (2006). "Assessing ethical behavior: the impact of outcomes on judgment bias". *Journal of managerial psychology*, 21(1), 52-27.
- De Hoogh, A. & Den Hartog, D. N. (2008). "Ethical and despotic leadership, relationships with leader's social responsibility, top management team effectiveness and subordinates' optimism: A multi-method study". *The Leadership Quarterly*, 19(3), 297-311.
- Den Hartog, D. N. & De Hoogh, A.H.B. (2009). "Empowering Behaviour and Leader Fairness and Integrity: Studying Perceptions of Ethical Leader Behaviour from a Levels-of-Analysis Perspective". *European Journal of Work and Organizational Psychology*, 18(2), 199-230.
- Bevir, M. (2012). *Governance: A very short introduction*. OUP Oxford.
- Brown M, Treviño L, Harrison D. (2005). Ethical leadership: A social learning perspective for construct development and testing. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*; 8(97): 117-134.
- Dustar M, Mostaghimi M, Esmailzadeh M. (2016). Ethical leadership and exploring the impacts of its dimensions on organizational commitment. *Management Studies in Development & Evolution*; 24(79): 27-45. (In Persian).
- Elci M, Sener I, Alpkan L. (2013). The impact of ethical leadership on the antisocial behavior of employees: the mediating role of ethical climate. *Journal of Global Strategic Management*; 14(1): 56-66.

15. Faulkner, A. O., & Albertson, M. L. (1986). Tandem use of hard and soft technology: An evolving model for third world village development. *International Journal of Applied Engineering Education*, 2(2), 127-137.
16. Baland, Jean-Marie., Moene, Karl-Ove., & Robinson, James. A. (2010). *Governance and Development*. Center for Research in the Economics of Development. University of Namur. Working paper.
17. Conner, Thaddieus, W. (2015). Representation and Collaboration: Exploring the Role of Shared Identity in the Collaborative Process. *Public Administration Review*, 76(2), 288-301.
18. Cameron, David. 2010. The Next Age of Government. http://www.ted.com/talks/lang/eng/david_cameron.html [accessed August 24, 2010].
19. Chibba, Michael (2009). Governance and Development: The current Role of Theory. Policy and Practice. *World Economics*, 10(2), 79- 108.
20. DiMaggio , Paul J., and Walter W. Powell.1991. The Iron Cage Revisited: Institutional Isomorphism and Collective Rationality in Organizational Fields. In *The New Institutionalism in Organizational Analysis* , edited by Walter W. Powell and Paul J.DiMaggio , 63 – 82. Chicago : University of Chicago Press
21. Farazmand, A. (2009), *Handbook of Bureaucracy and Administration*,Chapter 17:Public Service Ethics and Professionalism: A Primer for Public Officials.
22. ,Erik Johnston Arizona State University Governance Infrastructures in 2020 - Public Administration Review • December 2010 • Special Issue
23. Jin, Z. (2011). *Global technological change: from hard technology to soft technology*. Intellect Books
24. Kardos Michaela (2012). the reflection of good governance in sustainable developmentStrategies. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*. 58 : 1166 – 1173
- Klisberg Bernardo (2001) *Toward An Intelligent state "IOS press &international Institute of Administration Sciences & The United Nation"*.
25. Mayer D, Aquino K, Greenbaum R, Kuenzi M. (2012). Who displays ethical leadership and why does it matter? An examination of antecedents and consequences of ethical leadership. *Academy of Management Journal*; 55(1): 151-71.
26. Moro, Melanie, & Jeffrey, Paul (2008). A Critical Review of the Theory and Application of Social Learning in Participatory Natural Resource Management Processes. *Journal of Environmental Planning and Management*. 51 (3), 325 – 44.
27. Maggetti Martino -Hard and Soft Governance Research Methods in European Union Studies pp 252-265]
28. Vian T, Bicknell W. (2014). Good governance and budget reform in Lesotho Public Hospitals: performance, root causes and reality. *Health Policy and Planning*; 29(6); 673-684.
29. Kalshoven, K., Den Hartog, D.N. & De Hoogh, A. H. B. (2011). Ethical Leadership at Work Questionnaire (ELW): Development and Validation of a Multidimensional Measure, *The Leadership Quarterly*, 22(1), 51-69.
30. Kalshoven, K., Den Hartog, D. N. & De Hoogh, A.H.B. (2011). “Ethical Leadership at Work Questionnaire (ELW): Development and Validation of a Multidimensional Measure”. *The Leadership Quarterly*, 22,51 –69.

31. Santiso C. (2003). Another lost decade? The future of reform in Latin America. *Public Administration and Development*; 23(4): 297-305.
32. Sharei Z. (2016). The relationship between good governance and client satisfaction with the South Khorasan province. *Urban Management*: 13(45): 305 – 320 (In Persian).
33. Rahime M, Tajabadei R. (2012). The position of respect for the diversity of the administrative system of the country (with emphasis on the administrative system). Tehran: National Congress of Decent Government and Sustainable Development.(In Persian).
34. Taghyzade H, Soltanei G. (2015). The role of personality identification and employees' ethical beliefs in the functional results of ethical leadership. *Journal of Ethics in Sciences and Technology*; 10(4): 97-106
35. Slominski, P. (2008). Taking hybridity of hard and soft forms of governance seriously: Concept, choice and interaction of legal instruments in the EU. In ECPR Standing Group on the European Union Pan-European Conference, Riga (pp. 27-28).
36. Marnewick, C., & Labuschagne, L. (2011). An investigation into the governance of information technology projects in South Africa. *International Journal of Project Management*, 29(6), 661-670.
37. March , James G. 1999. *The Pursuit of Organizational Intelligence*. Malden, MA : Blackwell.
38. Merton , Robert K. 1949. *Social Theory and Social Structure*. Glencoe, IL : Free Press.
39. Malone, Thomas W. 2004. *The Future of Work: How the New Order of Business Will Shape Your Organization, Your Management Style, and Your Life*. Boston: Harvard Business School Press.
40. Pierre , Jon 2000. Introduction: Understanding Governance. In *Debating Governance* , edited by Jon Pierre , 1 – 10. Oxford : Oxford University Press.
41. Rogers, Ellen & Weber, Edward P. (2010). Thinking Harder About Outcomes for Collaborative Governance Arrangements. *The American Review of Public Administration*, 40(5), 546-567.
42. Siddiki, Saba, & Kim, Jangmin (2017). Diversity, Trust, and Social Learning in Collaborative Governance. *Public Administration Review*, 1-13.
43. Siddiki, Saba, N. & Carbon, Julia L. (2016). How Policy Rules Shape the Structure and Performance of Collaborative Governance Arrangements. *Public Administration Review*, 4, 1-12.
44. Siddiki, Saba (2014). Assessing Policy Design and Interpretation: An Institutions-Based Analysis in the Context of Aquaculture in Florida and Virginia United States. *Review of Policy Research*, 31(4), 281–303.
45. Taco Brandsen -Marcel Boogers - Pieter Tops *Soft Governance, Hard Consequences: The Ambiguous Status of Unofficial Guidelines –Enhancing Homeland Security from a Public Administration*. *Public Administration Review* • July | August 2006 Perspective
46. Thompson, Nicola. (2005). Inter institutional relations in the governance of England's national parks: A governmentality perspective. *Journal of Rural Studies*, 21.
47. Thomson, A. M., Perry, J. K., & Miller, T. K. (2008). Linking collaboration processes and outcomes: foundations for advancing empirical theory. In G. Bingham

- & R. O'Leary (Eds.), big ideas in collaborative public management (pp. 97-120). Armonk, NY: M. E. Sharpe
48. Walumbwa, F.O., Mayer, D. M., Wang, P., Wang, H., Workman, K. M. & Christensen, A. L. (2011). "Linking ethical leadership to employee performance: The roles of leader-member exchange, self-efficacy, and organizational identification." *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 115, 204-213.

The components of governance ethics in the school of Shahid Soleimani

Ali Turabi Kalate Qazi¹

Abstract

Governance, various models and numerous subset topics are among the most discussed topics in public administration today. Since 1980 and with the presentation of the concept of good governance by the World Bank until today, we have witnessed many efforts and various narratives related to governance and its models. The multiplicity of different models of governance in the last few years shows this atmosphere and its complex conditions. Along with the discussion on governance models, the issue of governance ethics has also been raised, and perhaps it can be said that governance ethics is the governing spirit of governance models and their distinguishing feature. After the martyrdom of Shahid Soleimani, without a doubt, the most important statement and description about him was made by the supreme leader of the revolution, who referred to him as a "school". Considering this description, it is necessary for researchers to explain the various aspects of this school; one of these dimensions is the governance ethics of Shahid Soleimani, and in this research, the components of governance ethics in the school of Shahid Soleimani have been determined and formulated. This article, by referring to various articles and researches, as well as the basics of Islamic thought, has explained the general theories of governance ethics. Then, by acquiring the method of thematic analysis, the components of governance ethics of Shahid Soleimani School by using the text of his speeches, interviews and testament and other reliable sources, have been extracted and presented. In this research, a total of 267 basic concepts, 93 organizing concepts and 24 advanced concepts have been identified and presented. The results of this research show that Shahid Soleimani can be considered as a model and an example for the proposition of "revolutionary Muslim rulers" and the components of Shahid Soleimani's governance ethics presented in this research are value-oriented and principle-oriented, anti-arrogance, Imam-believing and Imam-helper, guardian of the revolution and the system. , humility and respect, a sacrifice and self giving, a comprehensive character, seeking martyrdom, anti-corruption and simple-minded, student, sincere, mujahid, honorable and forward-looking, paternal and compassionate management, people-oriented and people-believing, personality influence and popularity, purposeful and goal-oriented and rulership, adherence to Islamic and religious law and revolutionary and jihadist spirit of this noble Shahid.

Key words: Governance, governance ethics, Shahid Soleimani School, components of governance ethics

1. Phd student of public administration at Allameh Tabatabai University and researcher at Imam Hossein University (AS) Email: Alimahdiyar@chmail.ir